****

**واکاوی مفهوم تربیت و دلالت‌های آن برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر بسیج مردمی**

**بهروز مهرام**

**دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش دانشگاه فردوسی مشهد**

[**bmahram@um.ac.ir**](mailto:bmahram@um.ac.ir)

**چکیده:**

این مقاله با هدف واکاوی و تحلیل مفهومی تربیت و دلالت‌های آن برای نیروهای مسلح با تأکید بر نیروی بسیج مردمی تدوین شده است. ابتدا مفهوم تربیت مورد پردازش قرار گرفته و سپس تمایز آن با واژگان مشابه مانند تعلیم، تدریس، تهذیب و یادگیری ارائه شده است؛ سپس ویژگی های بسیج، دلایل تمرکز بر تربیت بسیجیان، برنامه های درسی خطی و در هم تنیده برای آموزش و تربیت، ابعاد مختلف فعالیت های بسیج، و فرصت های تربیت برای بسیجیان مورد اشاره قرار گرفته و در انتها شیوه های تربیت بسیج در قالب آموزش مستقیم اصول عقاید، فرصت های تربیت در قالب فعالیت های اردویی، و تربیت در حین عمل ارائه شده است. استفاده از ظرفیت های مساجد، توجه به ساحت های چند گانه اهداف، و بهره گیری از برنامه درسی پنهان برای یادگیری های ضمنی؛ از جمله پیشنهادهای این مطالعه بوده است.

**کلمه های کلیدی**: تربیت، تعلیم، بسیج، نیروهای مسلح.

**مقدمه :**

تربیت واژه ای عربی است که "پرورش" معادل فارسی آن و “Education” معادل لاتین آن است. به زعم باقری (۱۳۹۵) تربیت از ریشه "ربَوَ" و باب تفعیل است که از این منظر؛ معنای زیادت و فزونی اخذ شده است. در مواجهه با "تربیت"؛ حداقل از سه منظر می‌توان به آن نگریست: الف) نسبت تربیت با برخی مفاهیم ملازم چون تعلیم، تدریس، یادگیری، و تهذیب ب) استلزام های تربیت ج) ابعاد و ساحت‌های تربیت.

**الف) نسبت تربیت با برخی مفاهیم ملازم**

در حالی که منظور از تربیت، پرورش تمامی استعدادها و ظرفیت‌های بالقوه آدمی است و به زعم شرفی (۱۳۸۸) به پرورش یک شی از موقعیتی به موقعیت دیگر دلالت دارد تا به حد تمامیت خود نائل شود؛ این مفهوم برای انسان در نیل او به مقام عبودیت و رسیدن به خلیفه اللهی تجلّی می یابد که مستخلف عنه شود و نه مستخلف الشیطان؛ لیکن همراهی تربیت با "تعلیم"؛ به معنایی مضیق در برداشت عمومی تقلیل یافته است. از این زاویه، تربیت به بعد معنوی و اخلاق و توسعه عواطف و هویت؛ و تعلیم به یاددهی علوم مختلف و توسعه ظرفیت های حیطه شناختی دلالت می یابد. بر این اساس است که در نظام رسمی آموزش و پرورش ایران؛ برخلاف دیگر کشورهای انگلیسی و عرب زبان که صرفاً به اطلاق “Ministry of education” و "وزاره التربیه" بسنده می‌کنند؛ ترکیب "آموزش و پرورش" به نهاد رسمی تربیت همگانی و عمومی جامعه اطلاق می شود. این نوع مواجهه دارای پیامدهایی است که تفکیک غیر عقلانی و دور از منطق شکوفا سازی تمامی استعدادها در فرایند طراحی و تدوین یکپارچه برنامه درسی را به دنبال داشته و موضوعاتی همچون ریاضی و علوم و ادبیات و حرفه و فن را در عرصه رسته آموزش و فعالیت هایی مبتنی بر فوق‌برنامه و فرع بر برنامه درسی همچون فعالیت‌های هنری، توسعه مسئولیت پذیری، مهارت های اجتماعی و آمادگی برای زندگی واقعی را در حیطه پرورش قرار می دهد. در واقع این نگاه مضیق به تربیت (پرورش) است که مربیان پرورشی را در جایگاهی نازل نسبت به معلمان و کارگزاران رسته آموزشی قرار داده و مخاطبان یادگیری و والدین آنها و در نتیجه جهت گیری عمومی جامعه را در مسیر سخیف نگری به فعالیت های تربیتی هدایت می کند. بر این اساس؛ تعلیم و تربیت نباید به عنوان دو فعالیت موازی هم؛ بلکه باید تعلیم فعالیتی در لوای پرورش و در طول آن و زیر چتر و شعاع تربیت قلمداد شود.تعلیم (آموزش) که معادلی برای Instruction در زبان انگلیسی است؛ مدلی برای رسیدن به غایت های تربیتی (پرورشی) است. تعلیم؛ الگویی متشکل از گام های نیل به غایت مطلوب است؛ تعلیم فرایندی نظام دار و مبتنی بر گام هایی متوالی است که بر اساس فلسفه تربیت؛ غایت را هدف گیری نموده و مبتنی بر شناخت اهداف؛ سنجش نیازها و رفتار های ورودی، بهره گیری از نظریه های یادگیری متناسب با موقعیت یادگیرنده و موضوع، انتخاب روش تدریس و یاددهی و امکانات سنجش یادگیری و ارزشیابی، تضمین به غایت های تربیتی را به ارمغان می آورد. تدریس (Teaching) به عنوان دیگر مفهوم مرتبط؛ اشاره به تحریک یادگیری دارد. یادگیری (learning) فرآیندی در وجود یادگیرنده است. یادگیری فرایندی یکسویه نیست که صرفاً توسط معلم انجام پذیرد و به شیوه ای کاملاً فیزیکی و خطی حاصل شود. یادگیری متاثر از تعامل میان معلم و متعلم؛ و مربی و متربّی است. یادگیری بر اساس تدریس خوب حاصل می شود. یک مدرس خوب بهترین موثر، بهترین تحریک کننده و برانگیزاننده یادگیری است؛ هنرمند است و مخاطب شناس. او صرفاً انتقال دهنده نیست؛ توسعه بخش ظرفیت دریافت و نگاهداشت است.

تهذیب دیگر مفهوم لازم برای تبیین است. تهذیب از منظر بسیاری از اندیشمندان اسلامی همچون ابن سینا (شهریاری نیسیانی و نجفی: ۱۳۹۳) و علامه طباطبایی (قهرمانیان و حسین زاده: ۱۳۹۰) در ترادف نزدیک با تزکیه مطرح شده وسیاست آدمی بر نفس، شناخت عیوب و تخلیه از بدی ها دانسته شده است. با این وصف؛ تهذیب می تواند در مسیر تربیت و ابزاری برای آن باشد. تهذیب یک فرآیند خود ـ مدیریتی است؛ مبتنی‌بر محاسبه و مراقبه است. تربیت می می‌تواند موجد تهذیب و سپس پیامد آن باشد.

**ب) استلزام های تربیت:**

در فرایند تربیت محورهایی به‌عنوان استلزام به معنای گزاره های پیش بایست (requirement) باید در نظر گرفته شود:

1. تربیت مبتنی بر مولفه هایی ایجابی و شامل تبیین، معیار، تحرک درونی و نقادی است و اتکاء به ایجاد عادت، تلقین، و تحمیل به جای تربیت؛ فرایندی "شبه تربیت" است (باقری: ۱۳۹۵).
2. مربی باید خود تربیت یافته باشد و در ظرف اندیشه او جز اصلاح و دعوت به خیر و معروف وجود نداشته باشد. مربی باید اسوه حسنه باشد (حسینی: ۱۳۷۹).
3. در فرایند تربیت، هدف باید روشن و صریح باشد. در پارادایم توحیدی و طرحواره دینی؛ هیچ هدفی نمی‌تواند جایگزین و بدیل نیل به مقام عبودیت قلمداد شود. عبارت هایی مانند "تربیت بدنی"، "تربیت شهروندی" و یا "تربیت اقتصادی"، ناظر به عزیمت در مسیر کمال آدمی (عبودیت او در پیشگاه ربوبیّت) است.
4. تربیت تمام ساحتی است؛ چون موضوع تربیت (انسان) بر مجموعه ای از ساحت ها دلالت دارد. توجه پیرامون به فعلیت رسانیدن یک ویژگی و تغافل از دیگر ابعاد وجودی؛ پیامدی جز مواجهه با انسانی ناقص و کاریکاتوری، نیست.
5. تربیت فرایندی تکوینی و تشریعی است. سینه مادر مملو از قوانین و اصول تربیتی است که در مواجهه با فرزند خود؛ بر اساس فطرت به آن عمل می‌کند؛ آینه ای تمام نما از تکوین گری برای پرورش ظرفیت های کودک بر اساس زیبایی شناختی و تکامل است. خمول فطرت و زنگار گرفتن آینه ی وجودی آدمی است که او را از این موهبت مربی گری فاصله می بخشد. از سویی؛ فرایندی نظام دار است که طرح و نقشه و تدبیر می طلبد؛ خانواده و مدرسه و اجتماع؛ بر اساس شناخت از آدمی باید هدایتگر مسیر باشند.

**ج) ابعاد و ساحت های تربیتی:**

تربیت فرایندی چند ساحتی است. در اسناد فرادست نظام آموزش و پرورش رسمی جمهوری اسلامی ایران؛ ابعاد: 1) اعتقادی، عبادی و اخلاقی 2) اقتصادی و حرفه ای 3) علمی و فناوری 4) اجتماعی و سیاسی 5) زیستی و بدنی 6) زیبایی شناختی و هنری؛ مورد توجه واقع شده است. در فرایند تربیت؛ تمام این ساحت ها برای پرورش ظرفیت آدمی باید مد نظر قرار گیرد.

**تربیت درقلمروی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر بسیج مردمی**

نیروهای مسلح در جمهوری اسلامی ایران از سه قلمروی سازمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. بسیج مردمی نیز با گستردگی و فراگیری به عنوان مجموعه ای فرهنگی ـ سیاسی و نظامی تلقی شده که برخی عنوان نیروهای شبه نظامی را به آن اطلاق می نمایند. با توجه به گستردگی مجموعه نیروهای مسلح (نظامی و انتظامی)؛ تمرکز این مطالعه بر قلمروی بسیج مردمی محدود می شود.

بسیج که از ابتدا با عناوینی مانند بسیج مستضعفین و یا نیروی مقاومت بسیج نیز شناخته می شد؛ در ۵ آذر ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شد. هدف اصلی از شکل‌گیری سازمان بسیج مستضعفین؛ ایجاد توانایی های لازم در آحاد مردم و سازماندهی آنان به منظور دفاع همه جانبه از انقلاب اسلامی، سازماندهی آنان به منظور دفاع همه جانبه از کشور، تلاش موثر و داوطلبانه در تمام عرصه‌های حیات اجتماعی، و پیشبرد اهداف و ضرورت های انقلاب اسلامی و تسریع در تحقق جامعه اسلامی بود. با این وصف؛ اهمیت تربیت نیروهای بسیج را می توان ویژگی های مخاطبان دانست. بسیج در گستره‌ای از سنین، مشاغل، و طبقات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است؛ گستره ای که باعث شکل گیری واحدهای سازمانی متنوعی از جمله بسیج دانش آموزی، دانشجویی، فرهنگیان، اصناف، کارگری، محلات، خواهران و ... شده است. تجانس نسبی مخاطبان، علاقه‌مندی و داوطلب بودن آنان و به خصوص سن مخاطبان نوجوان و جوان که آمادگی و ظرفیت بیشتری را برای تربیت‌پذیری دارند؛ از جمله موارد حائز اهمیت برای تمرکز این مقاله بر تربیت در قلمروی بسیج است.

در ادامه بحث؛ ضرورت ناشی از مخاطرات بی توجهی به تربیت بسیجیان، رویکردهای برنامه درسی برای فعالیتهای تربیتی در این حیطه، ابعاد مختلف مورد انتظار از فعالیت نیروهای بسیج برای پرورش، و شیوه های تربیت بسیجیان مورد توجه قرار می گیرد.

**الف) ضرورت ناشی از مخاطرات بی توجهی به تربیت بسیجیان:**

بسیجی یک انسان است که برخلاف دیدگاه های فلسفی و انسان شناسانه؛ اسلام نه او را ذاتاً بد و نه ذاتا خوب و نه همانند لوح سفید قلمداد می کند. انسان از منظر اسلام دارای ظرفیت هایی برای خوب شدن و تعالی و ارتقاء به فراتر رفتن از ملائک و یا در مقابل؛ بد شدن و سقوط به فروتر از حیوانیت است. تربیت بسیجی به عنوان یک انسان؛ باید باعنایت به پرورش تمامی ظرفیت های شناختی، مهارتها، عواطف و ارزش ها و ابعاد اخلاقی او صورت پذیرد. این مهم است که انسان را از تک بعدی شدن به عنوان یک چریک نظامی فاقد عاطفه و یا یک رزمنده بدون نقد و تحلیل فاصله بخشید؛ تربیتی که انسان کامل ـ به زعم شهید مطهری (ره) ـ را عرضه نماید؛ انسانی که همانند امام علی(ع) فیلسوفی عارف، دشمن ستیزی مهربان، و جاذبی همراه با دافعه باشد.

این نوع بسیجی؛ تجلی گر ارزش های انقلاب اسلامی در عرصه ملی و بین المللی خواهد بود. افراط و تفریط در مرام او جایی نداشته و با تأسی از آموزه‌های مکتب شهید سلیمانی؛ از تند خویی نسبت به افراد نا همسو با ارزش های ظاهری پرهیز داشته و آنها را فرزندان این ملت می داند و در عین حال دچار تفریط و اغماض نسبت به فساد دولتی و حکومتی نمی شود. تربیت نظام دار بسیجیان است که احتمال ریزش را به استمرار رویش های متوالی تبدیل کرده و دام های تبلیغاتی و پرجاذبه نفسانی دشمنان را خنثی و بی اثر می سازد. با تربیت نیروهای بسیج است که برنامه ریزی ها و اقدامات جبهه مقابل که نیروهای ارزشی انقلاب اسلامی و متمایل به بسیج را هدف گیری نموده؛ خنثی می شود. اقداماتی که نه تنها یک سرباز را از جبهه ارزشی حذف و خارج می نماید؛ که یک سرباز را به سپاه شیطانی وارد نموده و از این طریق دو برد را برای خود حاصل می نماید.

**ب) رویکردهای برنامه ای برای فعالیت های تربیتی:**

در دسته بندی کلی طرح های برنامه درسی؛ می توان برنامه ها را در دو قالب برنامه های خطی (موضوعی مستقل) و برنامه های در هم تنیده و مارپیچی دسته بندی نمود. در حالی که در برنامه های خطی؛ ما با موضوعات مجزا و مستقل نسبت به هم مانند آموزش اعتقادات، اخلاق اسلامی، و آموزش نظامی مواجه هستیم؛ در برنامه های درسی در هم تنیده؛ موضوعات مختلف به صورت یکپارچه و در هم تنیده به مخاطبان یادگیری ارائه می شوند. تبیین موضوعات سیاسی همراه با اسوه دهی و ارائه الگوی اخلاقی، آموزش نظامی همراه با ارتقاء سطح علمی و در هم تنیده با ارزش‌های دینی و اخلاقی و .... از این نوع است. در واقع این درهم‌تنیدگی باعث اثربخشی بیشتر و مواجهه دقیق‌تر با نیازها و ساحت های متنوع وجود آدمی است.

**ج) ابعاد مختلف فعالیت های بسیج زمینه ساز برنامه ریزی های تربیتی**

توجه به ابعاد مختلف فعالیت های بسیج؛ زمینه ساز برنامه ریزی و انتخاب و یا طراحی روش های اثربخش تربیتی است. اگرچه می توان فعالیت های بسیج را در ایجاد امنیت و نظم اعم از مبارزه با دشمنان خارجی و تجاوزگر و یا گشت های شهری و انتظامی، کسب آمادگی های رزمی و دفاعی، فقرزدایی و کمک به توزیع اقلام حمایتی در مناطق محروم، حرفه آموزی و ایجاد اشتغال، کمک به سلامت از طریق واکسیناسیون و یا توسعه بهداشت محیط و درمان آحاد مردم در نقاط دور افتاده، تولید علم و بومی‌سازی دانش و رفع وابستگی های اقتصادی، تبیین اصول و ارزش ها و فعالیت در حیطه رسانه، امر به معروف و نهی از منکر، کادرسازی برای آینده کشور، و ترویج ارزش ها دانست؛ لیکن نقش بسیجیان را باید به مثابه گلبولهای سفید در اندامی زیستی قلمداد نمود که با تشخیص سریع و فوریت به رفع هر تهدید خارجی و پاسخ به نیاز داخلی در سطح جامعه عمومی مبادرت می نمایند.

**د) فرصت های تربیت برای بسیجیان**

تربیت نیروهای بسیجی از فرصت‌هایی بی بدیل در مقایسه با دیگر آحاد نیروهای نظامی و انتظامی برخوردار است. پیوند بسیج مردمی و محلات با پایگاه های مساجد، سازمان ها و ادارات و اصناف مختلف؛ باعث ایجاد شبکه ای فراگیر و به تعبیری مویرگی در سطح عمومی جامعه است. "هر مسجد یک پایگاه بسیج"؛ امتیازی بی همتا برای برنامه های تربیتی در جامعه است که قابلیت پوشش دادن تمامی مخاطبان را از هر جنس، سن، و طبقه اقتصادی ـ اجتماعی داراست. نقشی که رسالت مسجد را به آرمان‌ها و مسجد تراز در اندیشه های امام راحل و مقام معظم رهبری نزدیک کرده و مردم را میزبان مردم و مربی و متربی را از خود مردمان بر می گزیند. تجربه ای که در تمام سالیان دفاع مقدس؛ الگویی از مسجد تراز شیعه را ارائه و نقش تربیتی مسجد را در ابعاد مختلف پرورش آدمی تبیین نمود. رابطه بسیج و تنوع انتظارات و برنامه‌ها برای گستره مخاطبان از دیگر امتیازات و ویژگی‌های این نهاد مردمی است. زن و مرد، خواص و عموم، پیر و جوان، همه و همه مخاطب بسیج قلمداد می شوند و بسیج می‌تواند با تکیه بر ظرفیت های فضای فیزیکی، کمک خیّران و موقوفات، پشتوانه ها و ظرفیت های انسانی؛ به تربیت و پرورش افراد با سلیقه ها و نیازهای مختلف مبادرت نماید. ظرفیت هایی که برای داوطلبان مباحث اعتقادی و اخلاق اسلامی به صورت صریح و برای علاقه مندان به امور هنری مانند فیلمسازی و قصه نویسی و نقاشی و خیاطی؛ به صورت ضمنی و از طریق برنامه درسی پنهان (Hidden curriculum) ارائه شود. داوطلبانه بودن فعالیت ها در بسیج؛ از دیگر مزیت های قابل توجه در فرآیند تربیت است. تربیت همراه با خواستن مترّبی؛ فرایندی اثرگذار و پایاست. سپر دفاعی ندارد و فارغ از برخی تعارضات و منفعت طلبی های فردی در حیطه کارآموزی های سازمانی و کلاس های ضمن خدمت و آموزش حین کار است. تربیت در بسیج؛ نوعی سرمایه گذاری پربازده است که محصول یادگیری؛ خود مربی دیگران شده و این زنجیره ی تربیتی استمرار می‌یابد.

**شیوه های تربیت در بسیج**

با جمع بندی مطالب پیشین؛ می ‌توان اصولی را همانند یکپارچگی در اهداف تربیت برای ساحت های مختلف وجودی مخاطب، استفاده از روش های چندگانه برای تغییر رفتار و نگرش، جذابیت و تناسب با خواست و علایق مخاطبان یادگیری، بهره گیری از ایجاد یادگیری های ضمنی و تکوین فنی در قالب برنامه درسی پنهان را حائز اهمیت و توجه تلقی نمود. بر این اساس؛ روش‌های زیر به عنوان راه‌هایی برای تربیت اثربخش پیشنهاد می‌شود:

1. **برگزاری کلاس های اعتقادی**

رفتار آدمی متاثر از عواطف او و عواطف و هیجانات متاثر از شناخت اوست. شناخت و عقیده؛ هسته‌ای محوری در منظومه وجودی آدمی است. اگر در اسلام؛ اصول دین مقدم بر فروع قلمداد شده و اصول جز از طریق شناخت و تحلیل نباید حاصل شود؛ به این خاطر است که اصول؛ محوریت دیگر لایه های رفتاری فرد مکلف را در بر می‌گیرد. اصول نمی‌تواند تقلیدی باشد و ریشه بسیاری از مشکلات جامعه امروزی ما در تربیت دینی؛ ریشه در مواجهه نوجوان با تکلیف دینی دارد. "تکلیف" به عنوان کلمه ای عربی ریشه در "کلفت" داشته و متضمن زحمت و مشقت است. تکلیف باید بر اساس معرفت انجام شود و این معرفت با فهم عمیق و تحلیلی نسبت به توحید، نبوت، امامت، و عدل و معاد حاصل می شود. اگر این معرفت نباشد؛ "قال الصادق" و "قال الباقر"؛ فاقد وجاهت تلقی شده و مبانی و منابع اخلاق و عمل؛ سست و متزلزل خواهد شد. برگزاری کلاسهای حضوری اصول عقاید، مسابقات کتابخوانی، جلسات بحث و مناظره جوانان و نوجوانان در قالب پنل های دانش آموزی و دانشجویی، و یا حلقه های معرفتی مساجد؛ شیوه هایی برای توسعه درک از اصول عقاید دینی است.

1. **اردوهای تفریحی فرهنگی**

جستجوگری و تلاطم و پر انرژی بودن؛ از روحیات و ویژگی های جوانی است. سفر و دوری از خانواده؛ فرصتی برای باهم بودن و اثرگذاری است. ارزش هایی که در گروه های دوستانه و مبتنی بر صمیمیت ایجاد می شود؛ می تواند متمرکز بر ارزش هایی باشد که به یک فرد؛ محبوبیت و مرجعیت گروهی دهد. مواردی چون مسئولیت پذیری، توانایی کار گروهی، رهبری، وقت شناسی، برنامه ریزی، از خود گذشتن و ایثار، علم آموزی، نوآوری، و تلاش و فعالیت؛ از جمله اموری هستند که به خوبی در فعالیت های اردویی قابل یاددهی و یادگیری و سپس سنجش و ارزشیابی است. گستره اردوها و اعم از اردوهای زیارتی، تفریحی، فرهنگی، و جهادی؛ فرصتی است که همراهی مخاطبان را در گروه هایی متشکل از افراد با ظرفیت‌ها و فعلیت های مختلف در بر داشته و برنامه ریزی درست می تواند منجر به تبعیت عاطفی نوجوانان و جوانان از الگوهایی برتر بر اساس صمیمیت شود. این همان نقشی است که شهید والامقام حسین علم الهدی در خلال سال های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آغازین جنگ تحمیلی در شهر اهواز ایفا نمود و الگوی تربیتی سودمند و شهید پروری را برای نوجوانان آن خطه به یادگار گذاشت؛ فعالیتی که مبتنی بر حضور مشتاقانه نوجوانان و جوانان دبیرستانی شهر اهواز در هر سحرگاه در حاشیه رود کارون و در قالب ورزش و صرف صبحانه و پند هایی صمیمی و دوستانه بود.

1. **تربیت در حین عمل**

بسیج دارای گستره ای از فعالیت هاست. سازندگی مناطق محروم و کمک به مستمندان در قالب بسیج سازندگی، ایجاد امنیت شهری در قالب گشت‌های شبانه؛ نمونه هایی از این فعالیت هاست. در این امور است که می توان مبتنی بر نگاه نظام دار و علمی آموزش و برنامه ریزی؛ فرایند تربیتی را دنبال نمود. تعیین اهداف تربیتی، گروه بندی مناسب، و انتخاب روش یاددهی؛ از مهمترین عناصر برنامه درسی هستند که در فرایندهای تربیتی مدنظر قرار می‌گیرند. بسیج باید که به این فرصت ها با دیده ای جدی نگریسته و فراتر از هدف ظاهری ـ مثلاً ایجاد امنیت شهری ـ به تربیت مخاطبان یادگیری در این فرصت بپردازد. آموزش سرودها و دکلمه های خاص در زمان حرکت در گشت شبانه، تبعیت از فرماندهی، تشویق بر اساس نظم و انضباط، پاداش اجتماعی به خاطر نوآوری و مشارکت در نظام پیشنهادها، و ترغیب به جذب دیگران بر اساس اخلاق و رفتار معیار؛ نمونه هایی از عمل تربیتی در حین عمل است. در فعالیت های بسیج سازندگی در مناطق محروم؛ به موازات اقدام هدف ـ برای مثال ساخت حمام روستایی و یا فعالیت کشاورزی و یا درمان مردم روستا ـ ؛ سخنرانی و آموزش خانواده برای گروه های زن و مرد، آموزش درسی کودکان، و طرح مباحث اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی در ساعات فراغت؛ نمونه‌هایی از اقدام تربیتی در حین عمل است که مخاطب بسیجی را به طور ضمنی به غایت های تربیتی نزدیک می نماید

منابع:

* باقری، خسرو (1395). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج 1. چاپ چهلم. تهران: موسسه فرهتگی مدرسه برهان.
* باقری، خسرو (1395). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج 2. چاپ هفتم. تهران: موسسه فرهتگی مدرسه برهان.
* حسینی، سید علی اکبر (1378). تعلیم و تربیت اسلامی: مبانی، منابع و اصول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
* سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (1390). تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
* شرفی، محمدرضا (1388). فلسفه تربیتی اسلام با رویکرد تطبیقی. تهران: منادی تربیت.
* شهیاری نیسیانی، شهناز؛ نجفی، محمد(1393). تهذیب و تزکیه نفس در دیدگاه ابن سینا و راههای حصول آن. فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت. (38) 14. 185 ـ 155.
* قهرمانیان، مریم؛ حسینی زاده، سیدعلی(1390). تحلیل و معنا شناسی تزکیه و تهذیب در آیات قرآن با تاکید بر تفسیر المیزان. مطالعات تفسیری (8) 2؛ 24 ـ 9.